

گنجینه نوشته‌های ایرانی ۷۴

زیمجی نامه

حماسهٔ سعاد در ادبیات انتقام

به کوشش

حسین اسماعیلی



انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران



انتشارات معین

عنوان و نام پدیدآور	: زمجی نامه : حماسه شیعه در ادبیات
مشخصات نشر	: تهران : معین: انجمن ایران شناسی فرانسه ، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۶۷۶ ص.
شابک	: 978-964-165-184-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: ابومسلم خراسانی، عبدالرحمن بن مسلم، ۱۰۰-۱۳۷ق -- داستان
موضوع	: زمجی، احمد بن محمد -- داستان
موضوع	: ایران -- تاریخ -- حکومت اعراب و جنبشهای ملی، تا ۲۰۵ق. -- داستان
موضوع	: Iran -- History -- Azali conquest and national movements, to 8th century -- Fiction
شناسه افزوده	: اسماعیلی، حسین، ۱۳۲۳ - مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶۸/۴۳۵۶PIR
رده بندی دیویی	: ۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۷۹۱۸۸



روبروی دانشگاه تهران، فخررازی، فاتحی داس، پاد ۳

تلفن: ۶۶۴۰۵۹۹۲-۶۶۹۷۷۹۷۲

www.moin.publisher.com

E-mail: info@moin.publisher.com

زمجی نامه

به کوشش: حسین اسماعیلی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

طرح جلد: مینیاتور از روی نسخه کاخ گلستان

صفحه آرا: ابراهیم توکلی

چاپ: مهارت

تلفن مرکز پخش: ۶۶۹۶۱۴۹۵-۶۶۴۱۴۲۳۰

فهرست مطالب

پیشگفتار	ص ۱۱
- درآمد سخن	۱۳
- حماسه های شیمه با درونمایه انتقام	۲۱
- وجه دوگانه یک واقعیت تاریخی	۲۲
- مختار نامه	۳۳
- خروج ملک ثابت	۳۵
- جنگنامه امام محمد حنفیه	۳۷
- مسیب نامه	۴۰
- داستان سید بطال غازی	۴۲
- داستان زُریر خزاعی	۴۵
- مختار نامه	۴۷
- شرح برخی اشعار خواهران	۴۹
- زن خروج کننده	۵۸
- جنگنامه امام حسن	۶۰
- جنگنامه پد جلال الدین اشرف	۶۲
- استنتاجات متنی	۶۴
- تار و پود حماسه	۶۷
- سنخ شناسی شخصیات	۷۱
- منابع روایت ها	۷۶
- در باره زمجی نامه	۸۳
- احمد زمجی کیست؟	۸۵
- اصل و نسب احمد زمجی	۹۱
- آزمون ایزدی	۹۴
- طی الارض	۹۹
- تاریخچه و تکوین زمجی نامه	
- از حاشیه تا مرکز	۱۰۳
- دستنویس های زمجی نامه و دو مکتب روایی	۱۰۸
- نسخه اساس	۱۱۲
- ویژگی سبک متن	۱۱۸
- نکاتی چند از گفتنمان متن	
- بعد مذهبی متن	۱۲
- سرنوشت ابوجعفر	۱۲۴
- بینش عرفانی متن	۱۲۶
- دریای گنبد دوار - جزیره الخضراء	۱۳۰
- شگردهای روایی	۱۳۳
- انجام سخن	۱۳۷
- کوچک نامه	۱۳۷
- گلزار علی بن احمد زمجی	۱۴۰
- درآمد داستان	
- غایب شدن احمد زمجی طرف ماوراءالنهر	۱۴۵
- رفتن احمد زمجی به بخارا و جنگ او با کلاباتیان	۱۶۱
- مطیع کردن احمد زمجی دیوانه بچه شوان و رزان را	۱۶۹

۱۸۱	احمد زمجی در دره اسرار آمیز و دین پیر جانو
۱۸۷	در آمدن دیوس شاه میان کالی و
۲۰۱	ملحق شدن احمد زمجی به امیر ابامسلم صاحبقران در بلخ
۲۰۷	در غایب شدن باندیدا و رفتن در ملک هندوستان

زمجی نامه

۲۲۱	جمع شدن یاران ابامسلم برای خونخواهی
۲۴۱	عیاری های عمران و مهتر باد پلدای سمرقندی
۲۵۳	آمدن پسران مروان از مغرب با هلال شاه و میرال شاه
۲۶۳	رویه رو شدن دو سپاه در سه راهی همدان و
۲۷۷	عاشق شدن سکینه بانو و شاهزاده محمد ملکزاد و
۲۹۵	داستان آمدن پنج نقابدار و عیاری نمودن مهتر باد پلدای
۳۱۳	نجات یافتن خلیفه ابوجعفر از قفس به دست باد پلدا
۳۲۳	دادن تابوت امیر ابامسلم را خلیفه ابوجعفر به کافران
۳۳۳	داستان شکست خوردن هلال شاه و میرال شاه
۳۵۱	داستان آمدن حضرت ابدال خاندان در دریای گنبد دوار
۳۶۹	داستان بردن کلجود شامی تابوت امیر ابامسلم را به جانب لولک شاه
۳۸۳	در بردن شاهزاده کوچک ابامسلم و کشتن کرکزه حرامزاده
۳۹۵	در یافتن شاهزادگان مهرزاد و طاهر و خلاصی آنان
۴۰۷	داستان شکست زین عبدالله و گریختن او به جانب دمشق
۴۲۳	دزدیدن غراب قلعه تشریفه و تیراندازی امیر ابامسلم را
۴۳۵	داستان کشته شدن امیر ابامسلم و دلاوری پتیاره به دست نقابدار زمر دپوش
۴۴۷	داستان گریختن عبدالله به جانب مصر
۴۶۱	داستان دلدادگی شاهزاده محمد و ملکه گلگونه بانو
۴۷۳	خلاص شدن احمد زمجی به دست نقابدار حریر پوش
۴۸۳	سحر کردن شراره و مکاره جادو با میان
۴۹۱	داستان گرفتن قلعه مصر و کشته شدن لولک شاه
۵۰۵	داستان رفتن سپاه به سوی اطلسون و جنگ های ماریب
۵۱۱	غرق شدن لشکر اسلام در دریا و برآمدن محبتان
۵۲۹	داستان از واقعات ایچی گری شاهزاده لیس صاحبقران
۵۴۳	داستان آمدن بنفشه گریه چشم و یاغی گری شاهزاده بره بن هاشم
۵۵۵	جنگ عظیم میان سپاه اسلام و لشکر لحاج
۵۷۱	باز آمدن حسن قحطیه و کشتن گرفتن با قبچای پهلوان
۵۸۵	شکست دوباره سپاه لحاج از دست محبتان، رسیدن جهانسوز عیار
۵۹۷	مصافح کردن شاهزاده کوچک ابامسلم از روی رشک با شاهزاده علی احمد
۶۰۹	باز آمدن پهلوانان و ملحق شدن به لشکر اسلام
۶۲۱	دزدیدن چستک عیار لیس دلاور را و افتادن شاهزاده در شهر خاوریه
۶۳۱	میدانداري لحاج و شکست او و فتح اطلسون
۶۳۹	باز گشت محبتان به جانب خراسان، کشته شدن احمد زمجی
۶۴۶	کسان داستان
۶۶۱	واژگان
۶۶۹	کتابنامه

« حماسه، از نظر ظاهر ساده و از دیدگاه معنی پهلوانانه و
 غرورآمیز، برجسته ترین بیان خودآگاه یک ملت و استعاره ای
 است از یک آرمان همگانی و سترگ.»

W.Hölderlin

درآمد سخن

زمجی نامه دنباله فصلی از ابومسلم نامه است و از دیدگاه داستانی به شرح رویدادهایی
 می پردازد که پس از قتل ابومسلم به وقوع پیوسته است. همانطور که تاریخ نگاران در آثار
 خود پیامد این واقعه را با ثبت شرحش های خونخواهانه همزمان ابومسلم بازتاب داده اند،
 داستان سرایان نیز، به سبک و دیباچه خود، جنبش های کینه جویانه ابومسلم به شکل ادبی و
 با دستاویزی به خیال پرداخته اند. یکی از دستاویزهای قصه پردازان مورد نظر همین زمجی
 نامه است که اینک پیشکش دوستداران ادبیات زبانی فارسی می شود.

بایسته یادآوری است که بیش از پانزده سال پیش با انتشار ابومسلم نامه،^۱ همراه با
 داستان سید جنید، خود را متعهد کرده بودم به ادامه کار و چاپ زمجی نامه. شوربختانه تا
 امروز از ادای این دین برنیاورده بودم. گفتنی است که در همان با، در آغاز پیشگفتار، حتی به
 معرفی نسخه های گردآوری شده نیز اشاره رفته بود،^۲ و از آن زمان نسخه ها معتبر است و
 اساس چاپ حاضر را تشکیل می دهد.

دلیل این تعهد در این نکته نهفته است که این سه داستان به گونه ای منجم به هم
 پیوسته است و در واقع سه گانه ای را تشکیل می دهد که هم دارای منطق زمانی است یعنی
 سه بخش متوالی از زمان درونی روایت، و هم زمان گاهشناسی تاریخی را در بر می گیرد و
 هم منطق موضوعی دارد. زیرا هر سه داستان بر محور جنگ های داخلی و عقیدتی-ر قلمرو
 اسلامی می گردد و مضمون های مشترک، شخصیت های مشترک، گفتار مشترک منطق
 موضوعی و خویشاوندی آنها را برجسته تر می کند. یادآوری را، باید گفت که جنیدنامه
 داستانی سراسر ساختگی است از پهلوانی های سید جنید و رشیده، پدر بزرگ و مادر بزرگ

^۱ حسین اسماعیلی، ابومسلم نامه، ۴ ج، انتشارات انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران- معین- قطره، تهران، ۱۳۸۰.

^۲ همانجا، ج ۱، ص ۲۳.

ابومسلم. همچنین این داستان منادیگر به دنیا آمدن ابومسلم است و مشروعیت و اصالت نژادی و پهلوانی وی را پایه می گذارد. از سوی دیگر، پلی است میان داستان ابومسلم و حمزه نامه. ابومسلم نامه نیز، به نوبه خود، مشروعیت سیاسی و سپاهیگری قهرمان را بیان می کند. با مرگ زود هنگام و ناجوانمردانه ابومسلم به دنبال دسیسه ابوجعفر، خلیفه عباسی، قهرمان به درجه شهادت نائل شده و به گونه ای بعد فراخاکی یافته، و همانطور که در سرتاسر زمجی نامه خواهیم دید، مشروعیتی روحانی نیز کسب می کند. به زبان دیگر، جنبه نامه و زمجی نامه تزئینی است برای برجسته تر کردن شخصیت و داستان ابومسلم، و این هر سه متن مجموعه منسجمی می سازد. جنبه نامه زمینه ساز به دنیا آمدن ابومسلم است. ابومسلم نامه کارنامه زندگی خاکی وی است؛ و زمجی نامه شرح خونخواهی از قاتلان ابومسلم به دست یاران وفادار او و در همین حال، بیانگر بُعد فرا زمینی قهرمان است.

از دیدگاه زمانی، هیچ گسستگی در روند سه داستان دیده نمی شود و رویدادهای چهار نسل، از نای ابوهمیم تا فرزندش (جنید- اسد- ابومسلم- کرچک) را به گونه ای پیوسته دنبال می کند. از این نظر، میتوان این سه گانه را از نوع حماسه دودمائی (saga) ارزیابی کرد که نمونه آن در ادبیات داستانی فارسی، نه چندان فراوان ولی بیسابقه هم نیست و کم و بیش می توان آن را همان حماسه های بازماندگان سام دانست.

اما از نظر زمان تا یک گسستگی مشاهده می شود: جنید نامه در حد فاصل مرگ معاویه و خلافت مروان حکم قرار دارد، ابومسلم نامه بخشی از تاریخ میان مروان حمار، واپسین خلیفه اموی تا بر تخت نشستن ابوجعفر، دومین خلیفه عباسی را در بر می گیرد؛ و زمجی نامه نیز در نسخه حاضر، تا بودی ابوجعفر و کین خواهی خون ابومسلم ادامه خواهد یافت.

از دید موضوعی نیز هر سه متن روایت جنگ بی پایان میان ایمان و کفر، حق و ناحق، راستی و دروغ، پاکی و پلیدی در همه اشکال متن است. در جنید زمین مسکونی تا کوه قاف را در می نوردد تا دد و دیو، جن و انس، جادو و سحر، درچه را که از دم تیغ امیر حمزه جان به در برده اند، نیست کرده و یا به ایمان راستین در آورند. و انگاه که به سرزمین اسلام باز می گردد، با کافران نوپیدی به نام خارجی (= بنی امیه) روبرو می شود که اسلام را به ورطه تباهی و فساد کشانده اند. پهلوان شکست ناپذیر با علم به این که مقابله با خارجیان در توان او نیست - این مهم را ابومسلم به انجام خواهد رساند - گوشه نشینی و بردباری پیش می گیرد تا زمان موعود فرا رسد و قهرمان کفر برانداز بالیده شود.

ابومسلم نامه نیز سراسر جنگ با مرتدان و از دین برگشتگان مروانی است. قهرمان داستان، از زایش تا به هنگام مرگ، دمی آسوده نمی نشیند و بنیاد مروانیان غاصب را بر می اندازد، غافل از این که کفر این بار در قامت ابوجعفر عباسی که خود بر تخت نشانده

است، ظهور می کند و با دسیسه و نیرنگ قهرمان آل محمد (که از نظر تاریخی قهرمان آل عباس است) را به کام مرگ می کشاند.

ابومسلم با دو هدف سر به شورش بر می دارد: نخست برانداختن رسم مذموم ناسزاگویی به امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه های نماز که از زمان معاویه تا برافتادن امویان (بجز دوران کوتاه خلافت عمرین عبدالعزیز) برقرار شده و داستان به کرات می گوید که این ناسزاگویی «هزارماه پنجاه کم» به درازا می کشد؛ و دیگر کین خواهی شهادت امام حسین در کربلاست که تا اینجا به گونه کامل به انجام نرسیده و هفتاد و یک خروج برای این انتقامجویی ناکام مانده بود، چون اراده آسمانی این امر الهی را به نام ابومسلم، یعنی خروج کننده هفتاد و دوم رقم زده است. درین چشم انداز، داستان گاه و بیگاه به شهادت امام سوم شیعیان گریزی می زند و راه او را سرمشق همه مؤمنان قرار می دهد. گرچه ابومسلم انتقام خون امام را از پارانندگان قاتلانش گرفت، اما خود به ناحق شهید شد و وظیفه سنگین کین خواهی را به گردن ارانش چید.

زمجی نامه اما حکایت انجام گرفتن این وظیفه دشوار است. احمد زمجی، از نزدیکترین یاران ابومسلم، در قالب قهرمان داستان، همه کوشش خود را صرف انتقامجویی از خارجیان نورسیده و قاتلان ابومسلم می کند. از نظر موضوع، زمجی نامه تداوم دو داستان پیشین است. با این تفاوت که ابومسلم نامه شرح اسامی گزینی از شهادت امام حسین و زمجی نامه روایت کین خواهی از شهادت ابومسلم است. اما در پیرامین داستان ارجاع به جنایت کربلا همواره حضور مداوم دارد. درجه شهادت به ابومسلم ندهد، رنجی و فراخاکی می دهد و او را در کنار امامان جای داده، همانند آنان بر یاران متجلی می شود و یا همچون نیرویی فراخاکی در روند داستان دخالت کرده و تأثیر می گذارد. این نکته ما ثبات موضوعی هر سه داستان را تقویت می کند.

شخصیت های داستان سید جنید با حمزه نامه الفت بیشتری دارند. دلیل گسستگی چشمگیر در زمانی معادل دو نسل، اندک کسان این داستان در ابومسلم حاوی پیوستگی می کنند. بنابراین در ابومسلم نامه با نسل تازه ای از شخصیت های برآمده از جوامع عرب و ایرانی روبه رو هستیم که سنخ شناسی آنان را در پیش از این مورد بررسی قرار دادیم. اما همان قصه ابومسلم و زمجی نامه هیچ بریدگی زمانی نیست و ازین روی بیشتر شخصیت ها درین دو داستان مشترک اند، به اضافه فرزندان آنان که نماینده نسل جوانترند. شخصیت های ابومسلم نامه در داستان احمد زمجی گرد پیری گرفته اند و در پشت سر فرزندان خود ایفای نقش می کنند.

^۲ ابومسلم نامه، ج ۱، پیشگفتار، ص ۱۳۹ به بعد.

گفتنمان هر سه داستان یکی است و بر پایه خصومت آشتی ناپذیر میان دو گروه بنا نهاده شده است: دوستداران خاندان و کافران. صفت هایی که برای دوستداران اهل بیت به کار می رود عبارت است از یاران، محبان، مؤمنان و ازین قبیل و هرچه نیکوتر. صفت های مورد استفاده برای کافران همچون خارجیان، حرامزادگان، سگان مروانی است و هرچه منفورتر. کافران به استخفاف مؤمنان را ابوترابی خطاب کرده و ابومسلم را روستایی گاویند می نامند؛ و محبان، به تمسخر مروان حمار را «امیرالفاستقین» می خوانند. بزم کافران همراه با شاهد و شراب و ساقیان سیمین ساق است و جمع مؤمنان تنها به آب و شربت بسنده می کنند. گفتنمان داستان در راستای کارزار تبلیغاتی و جنگ آشکار میان دو دیدگاه آشتی ناپذیر شکل می گیرد. نکته جالب این است که با براندازی فرمانروایی بنی امیه، نگرش داستان به حکومت بنی عباس دگرگونی چندانی نمی یابد و گفتنمان تغییر نمی کند.

عصر کلام آن که جنید نامه به منزله یک سرگفتار و زمجی نامه همانند یک پی گفتار است در رابطه با متن اصلی، یعنی ابومسلم نامه؛ و این سه گانه، همچنان که در دنباله سخن خواهیم دید، گونه ای جدید از داستان های منثور فارسی را تشکیل و بسط داده است که آن را چرخه ابومسلم نامه می نامیم. این چرخه عبارت از مجموعه داستان هایی است که به گونه ای در ذیل ابومسلم نامه قرار گرفته و با آن پیوند تنگاتنگ دارد، و در حوزه ادبیات روایی بخشی از ادبیات شیعه گرا را تشکیل می دهد با عنوان حماسه های انتقام.

ادبیات روایی شیعه و چرخه ابومسلم نامه

قصه های رایج با رنگ آمیزه وطن شیعه گرا را می توان به سه دسته عمده تقسیم کرد که عبارت است از روایت های ایقانی، حماسی و حماسی ایقانی به آن دسته از قصه ها می گوئیم که سراسر توصیف فضیلت، کرامت، شجاعت ذاتی و حقانیت آل رسول است و به منظور هر چه استوارتر کردن باورهای دینی توده مردم ساخته و پرداخته شده است. این مقوله، به طور معمول داستان های کوتاهی است که به سبب سادگی و پند و اندرز و مناقب خوانان بازگویی می شود؛ مانند داستان چگونگی ازدواج شهر بانو، منتظر یزدگرد ساسانی، با امام سوم شیعیان که با آن که پایه تاریخی ندارد و افسانه است، مورد پذیرش توده های شیعه قرار گرفته و همچون حقیقت محض مقبول افتاده است.^۴ همچنین، دست قصه ایمان آوردن و ازدواج نرگس بانو با امام یازدهم شیعیان، و یا چگونگی ایمان آوردن یهودیان مدینه که ابتدا در فکر آزار پیامبر بودند و سرانجام به دست وی مسلمان شدند. شمار بسیار قابل توجه از این

^۴ برای اطلاع بیشتری توان روایت دلنشینی از این قصه را در اثر زیر خواند: رسول جعفریان- محمد باقر وثوقی، *تاریخ خلفا و مقتل امام حسین (ع)*، نشر علم، تهران، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۱-۱۶۳، و توضیحات رسول جعفریان در باره این داستان، از صفحه ۷۴ تا ۷۸.

قصه ها محفوظ مانده است که برای نمونه می توان به دو دستنویس با عنوان قصه های شیعه ترکستان چین اشاره کرد که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود.^۵

گونه روایت های نمایشی به ویژه شامل تعزیه نامه هاست که فاجعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) هسته آن را تشکیل می دهد و بعضاً به شهادت دیگر شخصیت های شیعه نیز می پردازد؛ و یا اگر موضوع آن روایتی دیگر، از شخصیت ها و رویدادهای دیگر باشد، در هر حال به واقعه کربلا پیوند می خورد و به منظور ایجاد و تثبیت حس حزن و اندوه شیعیان، بیان همدردی با قربانیان ستم، و همچنین پالایش روح و روان آنان در صحنه بازسازی می شود. این روایت ها از نظر حجم متوسط و از منظر قالب بیان به نظم است که می توان آنها را سوگ چامه نامید. نگاه نده در جای دیگر به توضیح و تحلیل آن پرداخته است.^۶ اما گونه روایت های حماسی موضوع بحث ماست، داستان های بلندی را می گویم که در سده های گذشته، در مجال مردمی به وسیله قصه خوانان برای تهییج روحیه مبارزت و پایداری در فرد امت شیعه پیچیده می شد. ازین طریق، بزرگواری، شجاعت، حقانیت و تلاش بی امان مبارزار مؤمنان بر برابر پستی، بزدلی، حقارت و ابن الوقت بودن کافران برجسته تر گشته، استقامت و تحکم نامتوایدات توده های مؤمن بیشتر می گردید. وجه دیگر این روایات حماسی، جنبه تبلیغی آن است در برابر هجوم خشن گمراهان و غاصبان مسلط بر جامعه مسلمانان.

حماسه های شیعه طیف وسیعی از داستان ها را شامل می شود که گاه به نظم و گاه به نثر پرداخته شده و در ادبیات فارسی سابقه از سده های گذشته دارد. کهن ترین اثری که درین حوزه می شناسیم منظومه ای است با عنوان *علی نامه*، سروده شاعری با اسم ربیع، در رشادت های امام اول شیعیان علی (ع) که از سده پنجم هجری به یادگار مانده است.^۷ این منظومه سرآغاز زنجیره آثار پسین تری است که در همین زمینه سروده شده است که ازین میان می توان *خاوران نامه* از ابن حسام (شاعر سده نهم)، *حمله حیر* از باذل (سده ۱۲) و منظومه دیگر با همین عنوان از راجی (سده ۱۳) را نام برد.^۸ آثار دیگر ازین نوع ادبی به وفور باقی مانده است که بیشتر به شرح دلاوری های نخستین امام شیعیان و آزاداندان وی می پردازد، از قبیل غزای مسلمانان با مردمان مغرب و کشته شدن دیو سفید به دست علی و یا

^۵ این دو نسخه که در ترکستان چین نوشته شده به شماره های ۲۱۲۲ (در ۴۳۲ برگ) و ۲۴۷۱ (در ۶۷۹ برگ) در فهرست مشخص شده و شامل ده ها قصه است که دستنویس اخیر با قصه ای چنین آغاز می شود: داستان پیغمبر و دیو، ماجرای است که میان رسول خدا و دیو کافر می گذرد و با ایمان آوردن دیو پایان می گیرد.
نک: E. Blochet, *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale*, 4 vol. Paris, 1905, 1912, 1928, 1934.

^۶ نک: حسین اسماعیلی، *تشنه در میقاته*، متن و متن شناسی تعزیه، معین، تهران، ۱۳۸۹.

^۷ ربیع، *علی نامه*، با مقدمه محمد رضا شفیعی کدکنی- محمود امید سالار، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۸.

^۸ نک: ذبیح الله صفا، *حماسه سرایی در ایران*، امیر کبیر، تهران، چ ۴، ۱۳۶۳.

لشکرکشی شاهزاده محمد حنفیه و کشتن غضنفر کافر و ده ها متن دیگر که به شکل دستنویس باقی مانده است.

اما در اینجا، آنچه بیشتر موضوع سخن ماست، داستان های منثور با گرایش شیعی است که موضوع آن در درجه نخست به خونخواهی از فاجعه کربلا محدود می شود یا متأثر از آن است و تا امروز مورد بررسی و تتبع قرار نگرفته، و جز اندکی از آن به چاپ آبرومندانه نرسیده است. این داستان ها کوده (corpus) قابل ملاحظه ای تشکیل می دهد که ما آن را ادبیات حماسی شیعه یا مضمون انتقامجویی از شهیدان کربلا نامیده ایم. اما پیش از آن که به جان کلام برسیم، توضیحاتی چند ضروری به نظر می رسد:

حماسه نوعی روایت است کم و بیش بلند، به نظم یا به نثر، که ابعاد آن از ملایم های فردی فراتر رفته، به سرنوشت یک گروه اجتماعی، یک ملت و یا یک آرمان بزرگ پیوند می خورد. و بازگوکننده جانفشانی ها و رشادت های تاریخی و یا اسطوره ای یک قهرمان ملی یا ملیتی با ویژگی های اخلاقی سرمشق دهنده است. هگل حماسه را «کتابی مقتضی یک ملت» می خواند و برای آن نقشی بنیان گذار قائل است و بر این باور است که «حماسه به تنهایی دنیا را کامل از یک ملت در حال تکوین است، و پایه گذار و تداعی به خودآگاهی رسیدن آن ملت».

- اگر دیدگاه هگل را بپذیریم، در حماسه می باید یک آرمان غایی را جستجو کنیم که با سرنوشت یک ملت و یا یک گروه اجتماعی وسیع گره خورده باشد و تک تک افراد ملت یا هر یک از اعضای گروه اجتماعی به آن وابستگی داشته باشند. بنابراین هرگونه انگیزه فردی قهرمان، هرچند هم قابل توجه باشد، سازنده حماسه نیست و شخص قهرمان، هر چقدر هم دلاور و پیروزمند، حماسه ساز نیست. در این راه، به روشنی مشاهده می شود که داستان هایی مانند سمک عیار، فیروزشاه نامه و یا میراثی که آکنده از رزم و جنگاوری است، حماسه به شمار نمی آید. چرا که خورشید شاه، فیروز شاه، و دیگرانی از این سنخ، تنها با انگیزه های شخصی به ماجراجویی کشیده شده، در طلب درآمده رسیدن، خود می کوشند و گرچه به اصول اخلاقی پایبند هستند، اما آرمان ملی یا اعتقادی محرابی کلاه از آنان نیست.

- به روشنی درمی یابیم که بخش های فراوانی از شاهنامه طنین و رنگ حماسی قوی دارد. برای نمونه، پس از قتل ایرج به دست برادران، تور و سرم، میان سه قلمرویی که در آغاز یک کشور بود، جنگی پیرامان ایرج در می گیرد که انگیزه آن آرمان بزرگی به عظمت عدالت جویی بوده و در خلال این کشمکش ها سه هویت و خودآگاهی ایران، توران و روم شکل می گیرد. در حالی که بخش اسکندر، با در بر داشتن

^۹ Hegel, *Cours d'esthétique*, Trd. J. P. Lefèvre et V. Von Schenck, Paris, Aubier, .

Collec. Bibliothèque philosophique, 1997, t III, pp. 309-310 et 331.

کشورگشایی های پی درپی، دلاوری فراوان و شگفتی های بسیار، خالی از بیان و میانی حماسی است. به زبان دیگر، حماسه در حقیقت «بزرگداشت نامه» یک ملت است که با زبانی مبالغه آمیز رنج و شادی، آرزوهای همگانی، برآورده و یا سرکوب شده، و تلاش گذشتگان و نیاکان را وصف می کند. داستان یک پهلوان ملی است، برگزیده سرنوشت، که گاه از نیرویی فرازمینی مددجویی کرده، با تقدیر آشتی ناپذیر دست و پنجه نرم می کند. همه مشخصه های حماسه را که برشمردیم، در داستان های مورد بررسی ما دیده می شود. داستان متعلق است به یک امت (شیعیان) که به دنبال پاک کردن یک ستمگری بزرگ (شهید کردن امام و ناسزاگویی) است و در خلال تلاش خود (جنگ با امویان) به انسجام و خودآگاهی رسیده، و به زعم خود پیوسته به برقراری عدالت (بازگرداندن قدرت به خاندان نبوت) می اندیشد. اگرچه چرخ ناپایدار (تقدیر) گهگاه به زیانش می چرخد، اما امدادهای آسمانی (بشارت امامان) چراغ راهش گشته و رها از مهلکه نجاتش می دهد.

- گفتیم که این نوع ادب را «حماسه شیعه» می خوانیم. بیدرنگ، برای زدودن هرگونه ابهام، توضیحی در باره واژه شیعه لازم می آید. در اینجا، منظور الزاماً شیعه دوازده امامی و یا شیعه جعفری نیست. باید آن واژه را به معنی گسترده آن و همانگونه که در گذشته دربرگیرنده شمار بزرگی از گروه های ضد اموی می شده، در نظر گرفت. در تمامی سده یکم و نیمی از سده دوم هجری، مسلمانان خلافت بنی امیه را با عنوان شیعه می شناختند که شامل علویان، عباسیان، زبیه و چندین غالیان نیز می شده است. بعدها با استقرار خلفای عباسی و سیاست خشن آنان نسبت به عم زادگان خود، یعنی فرزندان علی (ع) بود که بنی عباس ازین جرگه فاصله گرفته و با مداهنه شدن همگام شدند. در تمام دوران روبرویی با بنی امیه، عباسیان هم خود را خونخواه امام حسین دانسته و ناسزاگویی به خلیفه برحق را برنمی تابیدند.

- نکته دیگر این که روایت های مورد بررسی، صرفاً اثر ادبی است، به هیچ گونه نمی توان آن را با محک های تاریخی و عقیدتی سنجید. همچون اثر ادبی، این روایت ها منطق ویژه خود را دارد که خیال انگیزی مشخصه اصلی آن است. داستانسرایی ها اگرچه کسان مؤمن و صادقی هستند، اما نه دانشمند مذهبی و نه مورخ با صلاحیت اند. اینان تنها بلفان باورهای گروهی و دینی خود اند، هرچند که باورهایشان با داده های واقعی، تاریخی یا عقیدتی، مطابقت چندانی نداشته باشد.

- نکته دیگر، استفاده مکرر از صفت های خوارج، خارجی و خوارجیان برای پیروان بنی امیه در متن است و نباید آن را با «خوارج» تاریخی و واقعی یکی گرفت که جنبشی سیاسی- مذهبی و معترض به قدرت های حاکم در قلمرو اسلام بود و نزدیک به دو سده موجب جنگ ها، کشتار و ویرانی فراوان برای مسلمانان گشت. خوارجی، در متون مرجع ما، معادل کافر و کسانی است که با محبتان علی به مخالفت برخاسته و از دین خارج

شده اند. به نظر می رسد که این واژه با تعمد توسط داستاسرایان محافل نزدیک به تفکر شیعه برای تمام معاندین اهل بیت- چه کارگزاران بنی امیه و چه عمال بنی عباس- برگزیده شده و عمومیت یافته است.^{۹۰}

- سرانجام دیگر ضرورتی که نگارنده را بران داشت تا به تعهد خود در باره تصحیح و چاپ زمجی نامه پایدار بماند، احساس وظیفه ای بود در قبال گونه ای ادبی که فصلی از میراث فرهنگی گذشتگان این آب و خاک است و، جز اندکی از آن، تاکنون مغفول مانده و هرگز بررسی نشده بود. چهارچوب پژوهشی که در پیشگفتار آمده است چندین سال پیش، ازین پرداخته شد و در مجموعه ای به نام "حماسه های جهان" در پاریس به چاپ رسید. در م آمد که در جمع حماسه های ملت ها و اقوام، گفتگویی از حماسه شیعی جای نداشته باشد.

^{۹۰} در باره این موضوع نک: رسول جعفریان- محمد باقر وثوقی، پیشین، ص ۹۶.

^{۹۱} Hossein Esmaili, « L'épopée chiite persanes » in *Epopées du monde*, Classique Garnier, Paris, 2011, p. 203-226.